

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

۸ فبروری ۲۰۰۹

نویسنده گرانقدر افغان، جناب همایون نصرتی!

از حصول نوشته ارزنده تان اطمینان داده و با مسرت به نشرش میپردازیم. "درد دل" شما واقعاً بیان واقعیت‌های تلخ و ناگواریست که بر اذهان بسا هموطنان خوش باور و فریب خورده ما چیره گشته است. بدون شک که دول متجاوز از همه بیشتر افکار و اذهان سست را نشانه گرفته و بوسیله ایشان، "انقیاد طلبی" و "قبول اسارت" را تلقین میکنند. بزرگترین ضربتی که متوجه یک ملت آزادیخواه و تسلیم ناپذیر بوده میتواند، همانا حاکم ساختن فرهنگ استعماری بر آنست و غرب خوب میداند، که چگونه اذهان آماده را زیر تأثیر خود در آورده و از طریق ایشان سلطه خویش را بر کشور عزیز ما بزعم خویش، جاودانه بسازد.

اما مطمئن باشید که هموطنان دلسوز و آگاه شما به کنه تمام نیرنگهای استعمار پی برده و در جهت روشن ساختن اذهان عامه، بدرجه اول "اذهان خواب برده" را پیوسته تکان میدهند. و شما خود مثال چنین یک عنصر روشنگر میباشید. آرزو میکنیم که همکاری خود را ادامه داده و با پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" و بالوسیله با هموطنان ارجمندتان، همیشه "درد دل" نمائید.

موفق و سرفراز باشید و ایام بکام شما!

با تقدیم محبت

اداره پورتال AA-AA

محمد همایون نصرتی

المان، ۷ فبروری ۲۰۰۹

## درد دل

درین اواخر سفری داشتم به امریکا. این نوع مسافرتها زیاد تر جنبه دید و بازدید از خویشان، اقارب و رفقای دوران جوانیست، تا یک اندازه از سترس های روحی و روانی را که عوامل آن دوری از وطن و ناملایمات زندگانی در غرب است، کاهش داد، اما متأسفانه نتیجه برعکس شد و بر روح و روان من اثر منفی گذاشت.

باید بعرض برسانم که در ذیل هرچه میخوانید، فقط و فقط برداشت شخص خودم از محافل و مجالس آنجاست و شاید اشخاص دیگر و افغانهای مقیم امریکا از جامعه و دولت آنجا بیان و قضاوت متفاوت داشته باشند.

شما میدانید که افغانها در هر جا سر را فدای شکم نموده اند و نمیتوان از پرونی کار گرفته دعوت دوستان را رد کرد. چون مهمانی از المان وارد امریکا شده، بعد از احوال پرسی و صرف چای، صحبت از چگونگی زندگانی در المان بصورت کل مطرح میشد، که بنده در حد توان و معلومات دستداشته، آنچه در المان میگذرد، بدون کم و کاست، خوبی ها و طبعاً نارسائی های این دیار را بیان مینمودم. اما زیر چشم میدیدم یگان بار تبصره شکل خصوصی میگرفت و بعضاً میگفتند: والله ما شکر آرام هستیم فضل خدا! اینجا هر چیز مهبیاست و هزارها بار شکر که امریکا آمدیم. ، بعضاً بصورت واضح از وفور نعمات مادی، امکانات زندگی مرفه، راضی بودن از طرز زندگانی و غیره سخن میگفتند. خلاصه همه و همه گفتار اوشان در ماحول مادیات میچرخید.

حال باید بگویم هر انسانی که درک داشته باشد برای ابراز درد دل مجبور میشود زبان بگشاید، تا از طریقی بر موضوعات روشنی بیندازد. اینست که آهسته آهسته مجلس گرم میشود و بعد از گفت و شنود اندک میرود به قضایا

و جریانات افغانستان، چه در داخل و چه در خارج و عملکرد ممالک بیگانه و برون رفت ازین ماجرا، جنگ و خونریزی و عوامل آن که دامنگیر ملت مظلوم شده. از دید بنده چنین درک و احساس بمن دست داد که غالباً افغانهای مقیم امریکا با پناهندگان اروپا بخصوص المان در مسایل و قضایای سیاسی و بین المللی مربوط به افغانستان دو دید و درک متفاوت دارند.

افغانهای مقیم مملکت المان با مطالعه نسبتاً دقیق، واقعیت بین بوده و قضاوتشان منصفانه است. در حالی که قضاوت طرف مقابل با خوشبینی های بی حد و حصر و چشم پوشی از حقایق و رویدادها و پشتیبانی یکجانبه از سیاست های دولت امریکا، برآستی منصفانه نیست.

در ذیل موضوعات قسم سؤال و جواب ترتیب شده و خدمت خوانندگان تقدیم میگردد:  
در محافل اولین سؤال من این بوده، که در مملکتی که زندگانی مینمائیم لاقلاً باید از تاریخ آن کم و بیش مطالعه داشته باشیم. شما راجع به تاریخ امریکا چه میدانید و آیا آن را مطالعه نموده اید؟  
جواب جز خاموشی چیز دیگر نبود.

سؤال: به نظر شما اگر افراد یک یا چند مملکت با لباس نظامی و مهمات و ساز و برگ حربی به هر اسم و رسمی وارد یک کشور خواه افغانستان و یا کشور دیگری شده باشند، تجاوز آشکار بر حریم مملکت و اشغال نظامی نیست؟

جواب: غالباً میگفتند که قوای نظامی در افغانستان برای سرکوب طالبان و تروریست هاست.

سؤال: بسیار خوب، چطور در مدت این هفت سال با موجودیت بیست و شش کشور و قوای نظامی هفتاد هزار پرسونل و مهمات و تجهیزات محاروبی مدرن نتوانسته اند کاری را از پیش ببرند؛ طالب را که بوجود آورد و اعاشه و اباته و تجهیز آنها از کدام مرجع اکمال میشود؟

جواب: از طرف دولت پاکستان و سنگ اندازی و کمک به مخالفین.

سؤال: هیچ شنیده اید تا الحال که کدام غند یا لوا برای سرکوبی طالبان و تروریست ها بدان سمت سوق داده شده باشد و یا اینکه صرف با پروازهای روزمره و آن هم چند هلیکوپتر، حملات شده و قصابات مورد حمله قرار گرفته که در خاتمه منجر به کشته شدن اشخاص بی گناه، اطفال و زنان گردیده و با اظهار تأسف از نبودن راپور دقیق خود را تبرئه کرده و دولت افغانستان هم با پرداخت خون بهای اندک مردم را تسلی داده و بدین وسیله دایماً ظفره رفته؟

جواب: در جنگ شیرینی (نان و حلوا) بخش نمیشود. چون جنگهای چریکی است، نمیتوان موضوع را به آسانی تحلیل کرد، اما در درازمدت دولت امریکا در نظر دارد که همه آن گروهها را از بین ببرد.

سؤال: درازمدت یعنی چه؟

جواب: شاید سالهای متمادی.

سؤال: آیا شما به ممالک خارج این حق را میدهید که به بهانه های مختلف مادام العمر در افغانستان باشند؟

جواب: بلی چون ازین ناحیه دولت و اتباع امریکا و جهان در خطر جدی قرار دارند، به بودن آنها موافقیم.

سؤال: قراری که میشنوم افراد طالب روز بروز پر قدرت شده و به صدها هزار پرسونل رسیده، قراری که در فوق هم سؤال شد باز هم یادآور میشوم که تجهیز نظامی و معاش و ترینگ مزاح نمی خواهد، ملیونها دالر مصرف کار دارد، ضمناً ممالک مزدور و دست نشانده ابداً جرأت آن را ندارند که به این کارها مبادرت ورزند و شما از دولت پاکستان نام بردید.

جواب: هستند سرمایه دارهای عرب که این کارها را بکنند.

سؤال: در اوایل با ورود قوای ناتو در افغانستان چنین شنیده میشد که بعد از مدت پنج سال بازسازی، افغانستان به مانند سوئیس میشود و ماستر پلان شهر کابل روی دست است. برعکس می بینیم که همه افواهات و فریب بوده و امروز همه رسانه های اطلاعاتی چه در داخل و چه در خارج، چه سازمان ملل و چه سازمان حقوق زنان و تقریباً همه مردم افغانستان از دهشت و وحشت و گرسنگی و فقر و بیکاری حرف میزنند و با چشم سر همه را می بینیم که واقعاً مردم از گرسنگی و سردی هوا میمیرند، جوانان به مرض مهلک بیکاری گرفتار اند. بی سرپناهی مردم را رنج میدهد، طبقه انات بعضاً معتاد مواد مخدره شده اند. فساد اداری، فحشاء، اختطاف و تجاوز و غیره و غیره به اوج خود رسیده. علت این همه فجایع و بدبختی ما که و از کجاست؟ بیائید یک کمی منصفانه قضاوت کنیم که آیا کس به یاد دارد که در طول تاریخ مردم اینقدر بدبخت شده و رنج بکشند؟ چه فکر میکنید؟

جواب: میگفتند که مردم خودشان نمیخواهند کار کنند. در دستگاه دولت اشخاص بی کفایت اند، اما یقین داریم که بعد از گذشت زمان همه چیز خوب میشود و در انتخابات دومی ناتو نمیگذارد همچو دولت تکراراً بوجود آید. نمی بینی که دول غربی در افغانستان دموکراسی آورده، نشرات و جراید آزاد است و تقریباً یکصد روزنامه بچاپ میرسد. هر چه میخواهی بنویس و بگو، ولو هر مرجع و مقامی باشد. انتخابات آزاد بوده و رأیدهی مردم به شکل دموکراتیک آن صورت میگیرد، که از هر چیز دیگر با ارزش تر است.

به اوشان میگفتم که این همه وجه سیاسی یعنی رویای سیاست ممالک غربی است که پشتیبان آزادی بیان، حقوق بشر، نشر جراید آزاد، تعیین سرنوشت و آزاد زیستن و انتقاد و غیره میباشد. لکن در وجه فکری که زیر بنای سیاست دول غربی است، سرکوب اشخاص وطن پرست، آزادیخواه، ملی گرا و لیدر و رهبرانی که به رأی اکثریت مردم بوجود آمده باشند، بطور مثال کودتا های نظامی و سقوط نظامهای مردمی و مداخله در امور داخلی کشورها ممثل سیاست آنهاست.

جواب : وقتی دیده شود که رهبر یا پیشوا به بیراهه روان است و حقوق انسانها زیر پا میشود، دموکراسی وجود ندارد، وظیفه ابرقدرتهاست که مداخله کنند، تا حقوق مردم اعاده گردد.

سؤال : درست است که روسها در افغانستان تجاوز آشکار نظامی کردند، کشت و کشتار از حد گذشت، ملیونها انسان کشته و بی خانمان گردیدند و هر چه از فجایع آن زمان بگویم، کم است. نظر شما در باره تجاوز امریکا به عراق چیست؟ آیا کمتر جنایات و تجاوز و کشت و کشتار صورت گرفته، ملیونها انسان آواره نشدند، موزیم ها به تاراج نرفت، سرمایه ملی غارت نشد؟

جواب : بلی برای از بین بردن انسان دکتاتوری همچو صدام و آوردن دموکراسی و آزادی، چنین اقدام موجه و لازم بود. اما بعضی اشتباهات از افراد مسلح در حصه تجاوزات جنسی و کشت و کشتار و غارت آثار تاریخی صورت گرفته.

سؤال : به این حدی که شما از عملکرد غرب در افغانستان بیچاره پشتیبانی میکنید، آیا میشود ستراتژی امریکا را در افغانستان بیان دارد؟

جواب : ولو هر ستراتژی مدنظر باشد، خواه سرکوب مخالفان و خواه نظارت بر منطقه، خواه پایگاههای نظامی، کار معقول است. ازینکه روسها در افغانستان میبوندند، صد مرتبه بهتر است که امریکا در آنجا باشد!

سؤال : قرار احصائیه افغانستان دارای مواد معدنی فراوان و با ارزش از قبیل احجار کریمه، نفت، گاز، مس، یورانیم، پلوتونیم و غیره و غیره میباشد. نشود که آهسته آهسته همه استخراج و برده شود؟

جواب : ازینکه تا حال نتوانستیم معادن را استخراج کنیم، خوب است ممالک دوست آنها استخراج کنند، البته یک چیزی به مردم ما هم میرسد!

درین میان بعضاً میگفتند که ببین آقا این همه کمک های بشردوستانه ای که به افریقا و آسیا صورت میگیرد، از جمله افغانستان را نیاید نادیده گرفت، بلکه باید آن را قدر کرد!

هر چند برایشان میگفتم که دول غرب بچه خاله من یا پسر کاکای شما نیستند، نمی دانید که میگوید "چراغی که در خانه بسوزد، مسجد را صبر است؟" لطفاً امریکا اولتر از همه غم ملیونها انسانی را که در کشورش بیمه صحتی ندارند، از جمله شماهایی که در این مجلس اشتراک دارید و از ترس نداشتن کارت صحتی نزد داکتر نمیروید، غم ملیونها انسانی را که هنوز سواد ندارند، غم ملیونها انسانی را که هنوز راجستر درست نبوده و بدون آدرس زندگی میکنند، بخورد!

جواب : میگفتند این همه پروپاگند است و افواهاست و ما همچو چیزی را ندیده و نشنیده ایم.

سؤال : آیا در امریکا غیر از دو حزب، کدام حزب سیاسی دیگر را می شناسید؟

جواب : بلی یک حزب چپی وجود دارد.

## تبصره و نظر بنده :

همه میدانند که در نظام سرمایه داری، هست و بود ماحول زندگانی بر پایه مادیات میچرخد. باید بگویم، در امریکا غالباً این جمله که "هفته چند میسازی و سال چند میسازد" زبانزد همگی است. در افغانستان واقعاً فقر اقتصادی دامنگیر اکثر مردم ما بوده و ازین ناحیه رنج میبردند. حال همان انسان خود را در یک سرزمین پر قدرت سرمایه مییابد و ازینکه قبلاً افق دید روشن در رابطه به جهان و نظامها نداشته، یعنی عدم دسته بندی ممالک پر قدرت و نظر سوء آنها، ستراتژی های دراز مدت جهت بدست آوردن منافع، عدم مطالعه دولت و جامعه ای که در آن زندگانی میکند، معلومدار در بی اطلاعی کامل و تلاش برای زندگانی بهتر مادیات جلو چشم ها را گرفته، لمس دالر همه را مجذوب خود ساخته و گرایش نفسانی به مادیات، انسان را به خوشبینی کاذب سوق میدهد.

اما اکثر مردم اروپا و بخصوص افغانهای مقیم المان تا اندازه ای از وقایع و اوضاع جهان و خصوصاً وطن عزیز ما، افغانستان، مطلع بوده درین زمینه بقدر توان دست زیر الاشه ننشسته، مقالات و نظریات، مصاحبه ها، روزنامه ها، اشعار، تحلیل های مسایل، نشست ها و کانفرانس ها زحمت کشیده، ابراز علاقه و درک مسؤولیت نموده اند.

متأسفانه در امریکا عدم علاقه به اخبار روزمره و اوضاع سیاسی جهان و افغانستان، از یکسو و از جانب دیگر نمایش تلویزیون های امریکا متفاوت با تلویزیونهای اروپاست. آنها مردم را زیادتیر سرگرم مسایل اقتصادی، اعلانات تجارتهی ساخته و سایل نظیر آنها ساخته، از اصل وقایع مهم سیاسی جهان و جنگهای روزمره و تلفات در افغانستان و عراق فاصله گرفته و غالباً هیچ به چشم نمیخورد و همه فکر میکنند، دنیا آرام و گل و گلزار است.

تلاش برای زندگانی پر زرق و برق یعنی خرید خانه های پرقیمت بدون کسب و کار مناسب و درآمد ماهر کافی ا  
کریدت کارتها بانکی بدون پشتوانه طبعاً انسان را از ناحیه پرداخت قرضه ها گیج ساخته ، خود را در گرفتاری  
بی حد و حصر که پایانش معلوم نیست، می یابد. کجا ماند وقت برای مطالعه و علاقه به مسایل سیاسی روز و  
وقایع افغانستان. طبعاً ساخت و بافت جامعه در طرز تفکر و عملکرد انسانهای مادی رول دارد.  
**در خاتمه باید بگویم که در اکثر موارد آشنایان و اهل مجالس ازینکه نمیتوانستند استدلال و تحلیل درست و  
منطقی ارائه دارند، بعضاً عصبای هم شده با لهجه تند میگفتند، امریکا خوب است. سرمایه دارد، زور دارد،  
ابرقدرت است، باید دنیا را اداره کند ، در غیر آن نظام دنیا از هم می پاشد! پایان**